

نقش مدرسه و معلمان در تربیت دینی دانش‌آموزان

کبری و خشوری

دکترای زبان و ادبیات فارسی، استاد دانشگاه آزاد شهرستان چابپاره

مدیر دبیرستان شهرستان چابپاره، استان آذربایجان غربی

چکیده

یکی از اهداف اصلی و مهم آموزش و پرورش ما، تربیت دینی افراد برای مقابله با مسائل زندگی و جامعه است و مدرسه کانونی است که می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری اعتقادات و بینش مذهبی دانش‌آموزان داشته باشد و از جمله افرادی که در مدرسه بر گرایش دینی و تربیت دینی دانش‌آموزان تأثیر مستقیم دارند، مربیان و معلمان هستند که همواره از آنان به عنوان الگو یاد می‌شود. نهاد آموزش و پرورش بنا به رسالتی که دارد عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندان جامعه است و در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، انتقال و تعمیق ارزش‌های دینی و انسانی به نسل فردا از بدیهی‌ترین انتظاراتی است که می‌توان از نهاد آموزش و پرورش داشت. از معمول‌ترین شیوه‌های آموزش و پرورش تربیت دینی از زبان معلمان و مربیان است؛ زیرا کودک با معلم یا مربی، بهتر و راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند و تأثیر نقش این افراد، در روحیه و ذهن بشر غیر قابل‌انکار است. این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است، بر آن است ضمن تعاریفی از تربیت و تربیت دینی به نقش مدرسه و معلمان در تربیت دینی دانش‌آموزان بپردازد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، تربیت دینی، معلم، دانش‌آموزان، مدرسه

مقدمه

در جامعه کنونی و در عصر اطلاعات و فضای مجازی اهمیت تربیت فرزندان بسیار حایز اهمیت می‌باشد. می‌بایست پدر و مادر و آموزگاران با رفتار صحیح الگوی مناسبی برای کودک و نوجوانان باشند. آموزه‌های دینی بر نقش مهم پدر و مادر بر تربیت دینی کودکان تأکید دارند. امروزه آموزش و پرورش تلاش دارد تا از طریق روش آموزشی مناسب و نظام سازمان یافته خود، به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ گوید.

نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست، شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والا بر تعلیم و تربیت مبتنی است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی همه مرهون تربیت دینی صحیح است. (کاردان، ۱۳۸۷).

نهاد آموزش و پرورش یک کشور نقش اساسی در تربیت شهروندان آن جامعه و آموزش و توسعه حقوق انسانی دارد. اگر چه شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد یک جامعه الزاماً وابسته به تعلیم و تربیت نیست؛ لکن باید اذعان داشت بخش اعظمی از رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در واقع تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی است که اثرات آن را به گونه‌ای همه جانبه می‌توان در زندگی انسان ها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آنان مورد مشاهده، بحث و بررسی قرار داد.

تربیت دینی، تربیتی بر اساس مفاهیم و معیارهای دینی است. تربیت دینی، در یک معنا فراهم کردن فرصت‌های طبیعی و درون‌یاب است تا افرادی خود با تجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، بارقه الهی بخش دین را کشف نمایند.

تربیت و خصوصاً تربیت دینی یکی از ضرورت‌های عصر حاضر است که با رویکردی نوین تلاشی جدی می‌طلبد. امروزه شیوه‌های آموزش و تربیت دینی از شکل سنتی و ابتدایی متحول گردیده به طوری که خانواده از یک سو و به شکل غیر رسمی به تربیت و آموزش دینی فرزندان می‌پردازد و از سوی دیگر دستگاه‌ها و نهادهای مختلف تعلیم و تربیت همچون آموزش و پرورش، عهده‌دار آموزش و پرورش تربیت دینی در جامعه هستند. نهاد آموزش و پرورش بنا به رسالتی که دارد عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندان جامعه است و در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، انتقال و تعمیق ارزش‌های دینی و انسانی به نسل فردا از بدیهی‌ترین انتظاراتی است که می‌توان از نهاد آموزش و پرورش داشت.

نظام آموزشی موجود باید با گنجاندن مفاهیم و مضامین دینی به شیوه‌های مناسب و به دور از شیوه‌های کهنه و سنتی و بدون اثر، پایه‌های اعتقادی و اخلاقی دانش‌آموزان را مبتنی بر ساختار تحول‌روانی آنها و با اتخاذ روش‌های فعال و موثر تحکیم بخشد. (کریمی، ۱۳۷۳).

این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است، برآن است ضمن تعاریفی از تربیت و تربیت دینی به نقش مدرسه و معلمان در تربیت دینی دانش‌آموزان بپردازد.

شیوه تحقیق

نوع روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی است. نگارنده ابتدا به فیش‌برداری از موضوعات مرتبط پرداخته و بعد از اتمام فیش‌برداری به تلفیق و دسته‌بندی آنها و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته و در پایان از بررسی‌های انجام شده در این آثار نتیجه‌گیری‌های لازم به عمل آمده است که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

تربیت

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمامی ابعاد وجود، و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و تدریجا به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند. (امینی، ۱۳۷۳).

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. تربیت باید تابع و پیرو فطرت یعنی تابع و پیرو سرشت و طبیعت شیء باشد. (مطهری، ۱۳۶۸)

تربیت عبارت است از فعالیتی هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی، به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت‌های وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و... در این تعریف چند نکته مورد توجه می‌باشد:

- تربیت، فعالیت و عمل است و به آن به عنوان یک واقعیت نگریسته شد.
- تربیت فعالیت هدفمند و برنامه‌ریزی شده است.
- تربیت دوسویه و در اثر تعامل مطلوب و تأثیر و تأثر متقابل مربی و متربی محقق می‌شود.
- تربیت دارای عناصری است و عناصر اصلی آن مربی و متربی است بدون وجود این دو، تربیت معنا پیدا نمی‌کند. البته در اینجا مراد از مربی، صرف معلم و مربی انسانی نیست؛ بلکه شامل سایر عوامل تأثیرگذار نیز می‌باشد.
- هرچند تربیت دوسویه است، اما غرض اصلی کمک به متربی و پرورش وی است.
- هدف تربیت شکوفا نمودن و پرورش قابلیت‌های متربی در همه ابعاد گوناگون وی است و نگاه بخشی به تربیت و تمرکز آن بر بعد خاصی از ابعاد متربی، نوعی عدول از تربیت مطلوب است. (کریمی، ۱۳۹۱).

تربیتی دینی

تربیت دینی فرایندی است دو سویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره‌گرفتن از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می‌کند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای خود گام بردارد و به سوی هدف‌های مطلوب رهنمون گردد. (ماهرزاده، ۱۳۸۰).

تربیت دینی یعنی شناخت آموزه‌های دین، تبدیل این شناخت‌ها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی در نتیجه، افراد در فرایند تعلیم و تربیت دینی، به گونه‌ای تربیت می‌شوند، که در گرایش‌اتشان نسبت به زندگی، اعمال و تصمیماتشان و در برخورد با تمام امور، همواره حاکمیت ارزش‌های الهی را احساس کنند. در چنین نظامی علاوه بر ایجاد نظم ذهنی، دانش‌آموزان به گونه‌ای تربیت می‌شوند که دانش را صرفاً برای ارضای کنجکاوی‌های فکری یا منافع دنیوی کسب نمی‌کنند، بلکه منطقی و متقی بار می‌آیند و فراهم آوردن موجبات رفاه مادی، معنوی و اخلاقی خانواده، ملت، خود و دیگران را وجهه همت خویش قرار می‌دهند. در این نوع از تربیت، هدف تنها کسب معرفت نیست؛ بلکه رشد و شکوفایی موزون همه ابعاد وجودی انسان مورد توجه قرار دارد.

«نخستین آثار مذهبی کودک در ایران، به دوران قبل از اسلام و عهد هخامنشیان می‌رسد که برای باورمند کردن کودکان به مذهب و اسطوره‌های مذهبی ساخته می‌شدند و پس از پذیرش اسلام با آموزش قرآن کریم به کودکان در تحکیم این دین در

دل‌های آنان کوشیدند. پس کتاب‌هایی مانند قصص‌الانبیاء و سرگذشت ائمه به زبان روان و قابل فهم برای کودکان تدوین یافت.» (محمدی، ۱۳۸۲).

به اعتقاد برخی از متخصصان تعلیم و تربیت، تربیت دینی آن جنبه از تربیت است که کودکان و نوجوانان را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند، مبانی اعتقادی را در آنان رشد می‌دهد، آنان را پایبند به اصول و عامل به فروع بار می‌آورد و فطرت الهی و انسانی آنان را بارور می‌سازد. (احمدی، ۱۳۷۴).

دسته‌ای دیگر از متخصصان تعلیم و تربیت با توجه به نظریه‌ها و دستاوردهای علمای رشدشناس (پیازه و اینهلدر) در تبیین تحول دینی، تربیت دینی را تعریف کرده‌اند. به اعتقاد آنان تربیت دینی عبارت است از شناخت مراحل و چگونگی رشد و تحول دینی و مذهبی کودک به صورت منظم و هدایت شده، به نحوی که این شناخت در جهت درک و شکوفایی احساس، ارزش و تجارب مذهبی کودکان، ما را یاری رساند. علاوه بر این، شناخت موانع و عوامل بازدارنده تحول و دگرگونی این متغیرها و به عبارتی عوامل بازدارنده رشد و تحول مذهبی نیز جزء تربیت مذهبی است به بیان دیگر تربیت مذهبی، تسهیل‌سازی و هدایت استعداد عمومی تحول مذهبی شاگردان را در برمی‌گیرد. (کردی، ۱۳۷۸).

ضرورت تربیت دینی برای دانش‌آموزان

تربیت دینی دانش‌آموزان و کودکان امری ضروری و لازم است و این ضرورت لاقلاً از دو دید فردی و اجتماعی قابل بررسی است. تربیت دینی کنترلی برای اخلاق، ضابطه‌ای برای حیات فردی و اجتماعی و زمینه‌ای برای رشد معنویت و آرمان‌گرایی است. همچنین دین می‌تواند تقویت‌کننده جنبه فراخود یا وجدان اخلاقی طفل باشد.

در جنبه اجتماعی، دین عامل انس و الفت است و زمینه را برای انسان دوستی، همدردی و استحکام بخشیدن به روابط را فراهم می‌آورد. دین عامل کنترلی برای فرد است که در اجتماع خود را از شرارت و مفسد دور نگه دارد. (فائمی، ۱۳۶۴).

انسان همواره نیازمند دستیابی به تکیه‌گاه و کانونی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای درونی، به او آرامش بخشد. دین و باور به خدا، یک نیاز متفاوتی و روان‌شناختی است که قدرت عظیم و بی‌پایانی به انسان می‌بخشد و در بحران‌های فکری و تنش‌ها و فرازها و نشیب‌های حیات، یاری‌گر وی بوده، قادر است او را به ساحل نجات رهنمون گردد؛ لذا تربیت دینی از ضروریات جامعه انسانی بوده و هست.

تربیت دینی دانش‌آموزان باید مورد بازنگری قرار گرفته و با شناخت و مهار عوامل مخل و آسیب‌زا آن را در مسیر درست هدایت نموده و از آن‌جا که همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که مدرسه یکی از موسسات اجتماعی و تربیت پذیر نمودن افراد است، تربیت دینی دانش‌آموزان در جهت صحیح و درست می‌تواند یکی از وظایف نهاد مدرسه باشد؛ بنابراین در ضرورت تربیت دینی باید گفت که این دین و اخلاق است که آدمی را از مخمصه‌های بزرگ نجات می‌دهد و نیرویی است قدرتمند در جهت کنترل انسان از وارد شدن در مفسد و لغزش‌ها، زیرا فقر اخلاقی و مذهبی از شدیدترین نوع فقرهاست و محرومیت از آن مصیبتی بس بزرگ و نگران‌کننده است.

شاخص‌های تربیت دینی در دانش‌آموزان

برای آنکه جریان تربیت دینی در جهت مطلوب صورت گیرد، نیاز به معیارها و شاخص‌های دقیق و شفاف می‌باشد. برای آنکه مسئولان مدارس مطمئن شوند که برنامه‌هایشان توانسته اهداف حیطة تربیت دینی را محقق سازد اولاً باید اصول و روش‌های

علمی برنامه‌ریزی را در حیطه تربیت دینی مد نظر قرار دهند و ثانیاً عوامل مداخله‌گر در ایجاد باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها را بشناسند. شاخص‌های تربیت دینی عبارت‌اند از:

معرفت و بصیرت

نوعی آگاهی عمیق برای ایجاد پیوند میان انسان و واقعیت است. ارتقای سطح معرفتی و بینشی یکی از شاخص‌هایی است که باید مورد توجه مربیان باشد؛ زیرا اقدام به تربیت دینی بدون دستیابی مربی به معرفت و بصیرت نسبت به اهداف و محتوا و روش‌های تربیت دینی امکان‌پذیر نیست و همچنین عمل متریبان به محتوای تربیت دینی نیازمند معرفت و بصیرت به احکام، اعتقادات و اخلاق و ارزش‌ها است. (کشاورز، ۱۳۸۷).

تفکر و تعقل

عقل یکی از سرمایه‌های انسانی و نعمت‌های الهی است که پرورش آن آدمی را در مسیر رشد و کمال هدایت می‌کند. بنابراین مربیان و معلمان باید در فرایند تعلیم و تربیت، نیروی تفکر و اندیشه شاگردان را تقویت کنند و پرورش دهند.

عزت نفس

عزت نفس یکی از اصول مهم تربیتی اسلام است. تأمین احترام و عزت نفس از هدف‌های مهم انسان است که انسان‌ها در پی دستیابی به آن حاضرند هرگونه فعالیت ریاضت طلبانه و مشقت‌انگیزی را تحمل کنند تا شایستگی خود را از طریق کنترل و تسلط بر خویش و عوامل پیرامونی به اثبات رسانند. اگر فرد با عزت نفس رشد کند و پرورش یابد، حالتی در او پدید می‌آورد که از مغلوب شدن در برابر عوامل و حوادث جلوگیری می‌کند به گونه‌ای که در هر اوضاع و احوالی استوار خواهد بود. فردی که دارای عزت نفس، اعتماد به نفس و متکی به خود است به ارزش، توانایی، کفایت و موفقیت خویش ایمان دارد و می‌تواند در جهت تحولات مثبت فردی و اجتماعی خویش گام بردارد. (حاج حسینی، ۱۳۸۸).

کرامت انسانی

از دیدگاه اسلام انسان دارای دو نوع کرامت است: یکی کرامت اکتسابی که شامل درجه و موقعیت و جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد است و یکی کرامت ذاتی است که به ذات انسان مربوط است؛ مثل انسانیت که قابل کسب و یا سلب نیست و دارای رتبه و درجه نیست. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰). و در زمینه تعلیم و تربیت هر دو جنبه کرامت باید مورد توجه قرار گیرد.

محبت و مهرورزی

یکی از مؤثرترین عوامل در ترویج ارزش‌های اخلاقی و موفقیت در تربیت دینی و اجتماعی، محبت و مهرورزی است زیرا؛ سبب اتحاد و همدلی میان افراد جامعه می‌شود. محبت و مهرورزی، خودخواهی را از افراد می‌گیرد و باعث تحقق جامعه‌ای عدالت محور می‌گردد. محبت با ایجاد الفت و همدلی، باعث تحقق فضایل اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌شود و از بروز رذایل جلوگیری می‌کند. (سیدپور آذر، ۱۳۹۳).

اعتدال

اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی. هر کدام از این دو موجب اختلال در بقاء، استمرار و سلامت کارها می‌شود.

صبر و بردباری

یکی از مهمترین و فراگیرترین مفاهیم مورد نظر اسلام برای بیان ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، صبر است. هسته اصلی مفهوم صبر، خویشتن‌داری در برابر سختی‌ها و تنگناها است و در قرآن کریم با مفاهیم دینی مانند ایمان، تقوا و فضایل اخلاقی مانند احسان ارتباط عمیقی دارد.

حریت و آزادگی

آزادی از مفاهیمی است که تعاریف مختلفی برای آن بیان شده است. آنچه مد نظر است، نبودن مانع در برابر اراده عقلانی و شرعی انسان است. اسلام به آزادی ارزش بسیار زیادی داده است. بر اساس دیدگاه اسلام تمام انسان‌ها حرّ و آزادند و بنده کسی نیستند. مربیان و معلمان باید این اصول را در تعلیم و تربیت و آموزش فراگیران مد نظر قرار دهند.

عمل

هدف نهایی تربیت دینی بحث عملگرایی و الزام عملی متربیان به رهنمودهای دینی است. از یک سو مربی باید خود به احکام و ارزش‌های دینی پایبندی عملی داشته باشد؛ زیرا پایبندی عملی نبودن مربی به آنچه می‌گوید، زمینه بی‌توجهی فراگیران به گفته‌های او می‌شود و پشتوانه عملی ندارد و از سوی دیگر مربی باید بعد از ارائه معرفت و بینش صحیح، زمینه‌های التزام درونی و عملی را در متربیان فراهم سازد. (کشاورز، ۱۳۸۷).

نقش آموزش و پرورش در تربیت دینی

تقویت مبانی مذهبی و اخلاقی، پرورش تن و روان، آموزش و مهارت‌های علمی، فنی و هنری، تفکر درست و منطقی، آشنایی با مبانی ملی و میراث تاریخی و مهیا ساختن جوانان برای احراز شغل از جمله اهداف نظام‌های آموزشی جهان است. (فرجاد، ۱۳۷۶).

در نظام آموزشی تعلیم و تربیت یا هر نوع اقدام سازنده اجتماعی برای خلق محیطی مطلوب است که تعاملات و ارتباطات آن در سطح مطلوبی انجام شود و ویژگی‌های یک جامعه استاندارد در آن تعریف شده باشد جامعه‌ای منظم و هدفمند که افراد در آن دارای رفتارهای سالمی هستند و دارای کیفیت زندگی مطلوبی می‌باشند این‌گونه می‌توان جامعه‌ای با این خصوصیات را جامعه‌ای سالم نامید عوامل متعددی چون رشد دانش و تکنولوژی، رشد نظام تربیتی، پرورش اعتقادات دینی درست، برقراری نظم و امنیت جامعه، اهمیت به حقوق افراد، نهادهای جامعه هدفمند ... به نحوی می‌توان گفت که برای ایجاد چنین شاخص‌ها برای یک جامعه سالم نظام اصلاح و تربیتی از ارکان اصلی است و با پرورش آن می‌توان سایر ویژگی‌های دیگر جامعه سالم را تحقق بخشید.

ساخت جامعه سالم یک هدف اجتماعی است که باید افراد و سایر بخش‌های جامعه با پیروی از برنامه‌های اجتماعی درست آن را اجرایی نمایند و قطعاً این هدف با توجه به ماهیت جامعه و ابعاد مختلف آن نیاز به برنامه‌های کارشناسی شده دارد اقدامات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناسب تا جامعه‌ای با ویژگی‌ها و ساختار یک سیستم استاندارد شکل گرفته و محیطی ایده آل برای زندگی افراد باشد. (صابری، ۱۳۹۶).

در نظام اسلامی، نهادهایی که نسبتی با تعلیم و تربیت دارند، به میزان دایره عمل و تأثیر خود مسئولیت بیشتری بر عهده دارند. بعد از خانواده، نهادهای تعلیم و تربیتی، مسئول و موظف در این امر می‌باشند. در این میان آموزش و پرورش وظیفه‌ای ویژه دارد و باید مبنای مجموعه برنامه‌های درسی و فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی قرار گیرد. علاوه بر این که رویکرد عام آموزشی در آموزش و پرورش باید رویکرد تربیت دینی باشد، درس تعلیم و تربیت وظیفه دارد که آموزه‌های دینی را به دانش-آموزان آموزش دهد و آنان را به بصیرت کافی در این زمینه برساند.

انتقال ارزش‌های اساسی و الهی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه‌ای که مدرسه دانش‌آموزان را متعهد می‌سازد ارزش‌های جامعه را درونی سازند. کودک باید به خوبی تحت سرپرستی و تربیت مربیان قرار گیرد تا استعدادها و شکفته و تربیتش کامل شود و به مراحل والای انسانی دست یابد. تربیت دینی و مذهبی از مهم‌ترین و اساسی-ترین جنبه‌های تعلیم و تربیت است که از نهاد خانواده آغاز می‌شود و در مدارس و دیگر ارگان‌های آموزشی ادامه می‌یابد؛ یکی از معمول‌ترین شیوه‌های آموزش و پرورش اعتقادات مذهبی، بیان آن‌ها از زبان معلمان و مربیان است، زیرا کودک با معلم یا مربی، بهتر و راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند و تأثیر نقش این افراد، در روحیه و ذهن بشر غیر قابل انکار است.

آموزش و پرورش وقتی به ما درس معارف اسلامی می‌دهد و باعث تقویت ریشه اعتقادات ما می‌شود باعث تغییر نگاه ما به زندگی می‌شود و درصدد ایجاد نگاه درست است و این نگاه درست خود باعث تحکیم در زندگی می‌شود جهان‌بینی الهی نه تنها ترسیم زیبا و دقیقی از زندگی دنیوی را به خداپرستان ارائه می‌نماید، بلکه از مصاحبت و نزدیکی با افرادی که تحت لوای جهان بینی مادی هستند نیز برحذر می‌دارد؛ به دلیل آنکه آن‌ها به سبب وجود افکار و اندیشه‌های غلط و شیطانی در قلوبشان، همچون افراد مریض هستند و مرضشان مسری است. لذا، توصیه به تولی و تبری در اینجا نیز و البته به گونه خاص خودش جریان دارد.

قرآن کریم: فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلْيُبَإِذِلْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ (نجم / ۲۹،۳۰) حال که چنین است از اینها که از ذکر ما روی می‌گردانند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبند، اعراض کن. این آخرین حد آگاهی آنها است، پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند به خوبی می‌شناسد، و هدایت یافتگان را از همه بهتر می‌داند.

بنابراین با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و درس‌هایی که در آموزش و پرورش می‌گیریم می‌توان نگاه درست به زندگی داشت و درصدد تقویت این رابطه برآمد.

نقش معلم در تربیت دینی

تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می‌شود آموزش و پرورش آن‌ها را تحقق می‌بخشد و جهت می‌دهد. انسان ناگزیر است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم، بدون تربیت صحیح غیرممکن است. فرهنگ انسان، محصول و نتیجه تربیت یا آموزش و پرورش است و بین کیفیت فرهنگ هر

جامعه و کیفیت تربیت آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. برخورداری از شخصیت سالم و در نتیجه احساس آرامش و امنیت خاطر بدون تربیت سودمند امکان ندارد. (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۶).

نظام آموزش و پرورش را عناصر مختلفی تشکیل می‌دهند. همه صاحب‌نظران و متفکرین، معلم را به عنوان اصلی‌ترین و موثرترین عنصر این نظام تعریف می‌کنند، معلم کارگزار اصلی تعلیم و تربیت و روح نظام آموزشی هر کشور است و با کوشش خردمندانه اوست که اهداف متعالی نظام آموزشی کشور محقق می‌شود. آنچه کودکان، نوجوانان و جوانان در مدرسه کسب می‌کنند، متأثر از خصوصیات، کیفیات، شایستگی‌های علمی، فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی معلمان است.

اساساً امکان تربیت آدمی در گرو اصول شناخته شده‌ای است که آشنایی و رعایت آنها توسط معلمان، موفقیت نظام تربیتی را تضمین می‌کند، اصولی که راهنمای کلیه اعمال و فعالیت‌های معلمان قرار گرفته، علم و هنر تکنیک‌های تربیت را مهیا ساخته و همه جوانب گوناگون رشد و تعالی انسان را به هر سمت و سویی سوق می‌دهد، بنابراین اگر معلم از اصول تعلیم و تربیت شناخت دقیق و علمی داشته باشد، قویتر و دقیقتر می‌تواند در ایجاد وضعیت مطلوب یادگیری فعالیت کند.

با توجه به این مطالب می‌توان اذعان داشت که اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی، معلم است. اوست که می‌تواند حتی نقص کتاب‌های درسی و امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس بهترین موقعیت را با عدم توانایی خود به محیطی غیر فعال و غیرجذاب تبدیل کند. اطلاعات معلم و در واقع کل شخصیت معلم در ایجاد شرایط یادگیری و تغیر و تحول شاگرد تأثیر می‌گذارد.

معلم مسئول تمام افرادیست که زیردست او تربیت می‌شوند. در واقع رفتار معلم تأثیر بسزایی بر رفتار و خلق و خوی دانش‌آموزان خواهد داشت. همانطور که می‌دانید افراد زیادی در سیستم‌های آموزشی مشغول به کار هستند که فعالیت‌هایشان به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تربیت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، اما در این بین معلم نقش برجسته‌تری دارد. رابطه‌ای که دانش‌آموز با معلم دارد رابطه‌ای باطنی و معنوی است. هر دانش‌آموز در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته است، اما هنوز شکل ثابتی ندارد و انعطاف‌پذیر و قابل تغییر می‌باشد.

دانش‌آموز در هنگام الگوسازی، فرایند ارتباطی عمیق و نوعی همانندسازی را با معلم شروع می‌کند. در این فرایند، معلم در شکل‌گیری شخصیت، باورها، ارزش‌ها و خواسته‌های دانش‌آموز در جهت معیارهای دینی نقش مفید و قابل توجهی دارد، ولی اگر کودکی بدون تحلیل و بررسی، که فرصت آن کمتر به دست می‌آید، الگوپذیری کند، رشد دینی و اخلاقی‌اش دچار اشکال می‌گردد.

اگر دانش‌آموز مفاهیم دینی و ارزشی را که در کلاس می‌آموزد، در رفتار معلم و شیوه عمل و منش وی مشاهده کند، نه تنها او را به منزله یک الگو استفاده می‌کند؛ بلکه برای پایداری شناختی، عاطفی و شخصیتی خود نیز بهره می‌گیرد، ولی اگر دانش‌آموز آموخته‌های خود را در معلم نبیند، دچار ناهماهنگی و تضاد شناختی و ارزشی می‌شود؛ بنابراین ضروری است که معلم به مثابه در دسترس‌ترین الگوی تربیتی، نقش خود را برای دانش‌آموز ایفا کند. (کردی، ۱۳۷۸).

نقش الگویی مربی، در تربیت دانش‌آموزان بر هیچ کس پوشیده نیست. تماس نزدیک مربی با دانش‌آموزان و نفوذی که بر آنان دارد، نقش مهمی در سلامت فکری و روانی ایشان ایفا می‌کند. این تأثیر و نفوذ ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم صورت پذیرد و به شیوه‌های گوناگون مثل تقلید، الگوسازی و گاهی اوقات همانندسازی بروز کند.

نتیجه‌گیری

در جامعه امروز مدرسه از جایگاه مهمی در تربیت دانش آموزان برخوردار است و می‌تواند فعالیت خود را در این زمینه در جهت مثبت و یا منفی به انجام برساند. معلم، برنامه درسی و گروه دوستان و هم کلاسی‌ها در تربیت دینی و مذهبی و عبادی نقش دارند.

نتیجه کلی این جستار حاکی از آن است که در تربیت دینی دانش‌آموزان عوامل مختلفی موثر است که از این میان می‌توان به نقش معلم و مدرسه که در این راستا مسئولیتی خطیر و نقش اساسی و بنیادین بر عهده دارند، اشاره کرد. تربیت دینی دانش‌آموزان باید مورد بازنگری قرار گرفته و با شناخت و مهار عوامل مخل و آسیب‌زا آن را در مسیر درست هدایت نمود و از آنجا که همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که مدرسه یکی از موسسات اجتماعی و تربیت‌پذیر نمودن افراد است، تربیت دینی دانش‌آموزان در جهت صحیح و درست می‌تواند یکی از وظایف نهاد مدرسه باشد؛ بنابراین این امر ضرورت می‌یابد که بررسی فرآیند تربیت دینی دانش‌آموزان و نقش مدرسه در تکوین این فرآیند پرداخته شود.

تعلیم و تربیت دینی زمانی به ثمر می‌رسد که تدوین یک برنامه آموزش و پرورش بر اساس تعیین هدف‌های متناسب با سطوح تحول روان‌شناختی مخاطبان باشد. و زمانی آموزش تعلیمات دینی و تربیت دینی در مدارس اثربخش خواهد بود که با ترغیب دینی در خانه از سوی والدین هماهنگ و همسو باشد در غیر این صورت دانش‌آموز دچار تعارض شده و بدون درونی شدن مفاهیم دینی در او، رشد شناختی وی دچار تأخیر خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، سیداحمد. (۱۳۷۴). مفهوم تربیت دینی و راه‌های وصول به آن، ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت با عنوان تربیت دینی کودکان و نوجوانان.
۲. امینی، ابراهیم. (۱۳۷۳). اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۳. حاج‌حسینی، نجیب‌الله. (۱۳۸۸). عوامل موثر بر شکل‌گیری و تقویت عزت نفس از دیدگاه اسلام، مجتمع آموزش عالی فقه.
۴. رحیمی‌نژاد، اسماعیل. (۱۳۹۰). نگرش اسلامی به کرامت انسانی، مجله معرفت حقوقی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۲۶.
۵. سیدپور آذر، حسن. (۱۳۹۳). محبت‌ورزی در همزیستی اخلاقی از منظر قرآن کریم، دو فصلنامه تخصصی اخلاق، سال دوم، شماره ۶، صص ۲۴-۵.
۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۶۶). مبانی روان‌شناختی تربیت، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۷. صابری‌علی. (۱۳۹۶). تعریف جامعه سالم، مجله علمی تخصصی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، آبان ماه ۱۳۹۶.
۸. فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحراف، تهران: نشر بدر.
۹. قائمی، علی. (۱۳۶۴). پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، تهران: انتشارات امید.
۱۰. کردی، عبدالرضا. (۱۳۷۸). نیاز و انگیزه در تربیت دینی دانش‌آموزان ابتدایی، مجله رشد آموزش ابتدایی، سال سوم، شماره ۱۷.

۱۱. کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۷۳). مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک بارویکرد تحولی، تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.
۱۲. ----- (۱۳۹۱). آموزش به مثابه پرورش، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۱۳. کاردان، علی محمد. (۱۳۸۷). سیر آرای تربیتی در غرب، تهران: سمت.
۱۴. کشاورز، سوسن. (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۶، صص ۹۳-۱۲۲.
۱۵. محمدی، محمدهادی و زهره قایینی. (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات کودکان ایران، ج ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و شرکت نشر چیستا.
۱۶. ماهروزاده، طیبه. (۱۳۸۰). تربیت دینی چرا و چگونه؟، مجله پیوند، شماره ۲۶۱-۲۶۲.
۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات صدرا.

The Role of School and Teachers in Religious Education of Students

Vakhshori Kobra

*PhD in Persian Language and Literature, Professor, Chaypareh Azad University
Headmaster of Chaypareh High School, West Azarbaijan*

Abstract

One of the main and important goals of our education is religious education of individuals to deal with the issues of life and society, and school is a focal point that can play an important role in shaping students' religious beliefs and insights, and among those who have a direct impact on students' religious orientation and religious education in school, educators and teachers are always referred to as role models. The institution of education, based on its mission, is responsible for the education of the children of the society, and in our society, which is an Islamic society, the transfer and deepening of religious and human values to tomorrow's generation is one of the most obvious expectations that can be expected of the institution of education. One of the most common methods of religious education is the language of teachers and educators, because the child communicates better and more easily with the teacher or educator, and the impact of their role on the human spirit and mind is undeniable. This paper, which has been done by descriptive and analytical method based on library studies, tries to introduce definitions of religious education to the role of school and teachers in religious education of students.

Keywords: Education, Religious Education, Teacher, Students, School
